

## دولت بورژوازی؛ سرکوب فراتر از رنگ و نژاد و جنسیت

بنفشه کمالی

۱ سپتامبر ۲۰۱۲

تقدیم به علی رضا عسگری و با ستایش از روحیه قوی درخشان او

**توجه و هشدار:** سلامت علی رضا عسگری در زندان به شدت به خطر افتاده است

"ولی دوران ما ، یعنی دوران بورژوازی دارای صفت مشخصه است که تضاد طبقاتی را ساده کرده است. سراسر جامعه بیش از پیش به دو اردو گاه بزرگ متخاصم ، به دو طبقه بزرگ که مستقیماً در برابر یکدیگر ایستاده اند تقسیم میشود : بورژوازی و پر و لتاریا " مانیفست حزب کمونیست. مارکس و انگلس

آری ، دوران ما تضادهای طبقاتی را ساده کرده است ، تضاد اصلی در این دوران بین کار و سرمایه و میان طبقه کارگر و سرمایه دار جریان است. تو ضیحی بغیر از این تعریف ، که بطور روشن و واضح در مانیفست حزب کمونیست آمده است - توسط هر شخص و حزبی که باشد- چیزی بیش از توهم پراکنی و فریب برای نجات سرمایه از نابودی حتمی به دست طبقه کارگر نیست .

کشتار کارگران اعتصابی معدن پلاتین در لو مین در ماریکانا در شمال غربی ژوهانسبورگ توسط پلیس ضد اعتصاب و شورش سرمایه در تاریخ ۱۶ آگوست ۲۰۱۲ در آفریقای جنوبی بار دیگر این اصل مسلم را بر همگان ثابت کرد که سرمایه و سرمایه دار و سیستم ضد انسانی آن برای حفظ خویش و ادامه استثمار ، به هر وسیله و سلاحی علیه کارگران و زحمتکشان دست می برد . دولت بورژوازی برای حفظ منافع خود تمام ادعای پوچ و بی اساس مبنی بر "دموکراسی خواهی ، آزادی حق اعتصاب و تشکل و تجمع و اعتراض کارگران" را به هیچ شمرده و آنجایی که منافعش ایجاب می کند از هر گونه کشتار و سرکوب و راه انداختن جوی خون در برخورد طبقاتی با کارگران خود داری نخواهد کرد. حادثه کشتار فجیع کارگران در آفریقای جنوبی ، بار دیگر بر تضاد آشتی ناپذیر کار و سرمایه در همه جوامع و در سراسر جهان تاکید کرد

در جریان این فاجعه خونبار - که توسط نیروهای سرکوبگر دولت سرمایه داری آفریقای جنوبی صورت گرفته است - به گفته خبرگزاری رسمی آفریقای جنوبی ۳۴ تن از کارگران کشته و ۷۸ نفر زخمی شده اند. البته به درستی ارقام داده شده از طرف ارگانهای رسمی بورژوازی باید با شک و تردید برخورد کرد. به احتمال زیاد تعداد کارگران کشته شده و زخمی بیشتر از ارقام پیش نوشته است.

در دوران سیاه حکومت ضد بشری- سرمایه داری آپارتایدی ( جدایی- تبعیض نژادی ) که از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴ ادامه داشت و قوانین آن علیه اکثریت ساکنین آفریقای جنوبی که کارگران و زحمتکشان سیاه پوست بودند وضع شده بود. بر اساس قوانین آپارتاید ، کارگران و زحمتکشان سیاه پوست در بدترین ، نازل ترین و سخت ترین شرایط زندگی می کردند . آنان مطابق این قوانین از پایه ای ترین نیازهای زندگی محروم شده بودند. نظام استعماری مبتنی بر آپارتایدیسم از قرن هفدهم توسط برده داران و استعمارگران هلندی و پس از آن در قرن ۱۸ توسط سرمایه داران انگلیسی ، آفریقای جنوبی را مستعمره کرده و خود را نژاد برتر شناخته ، بومیان را سرکوب کرده و قدرت را به اقلیت سفید پوست داده

حزب ناسیونالیست ( ملی ) آفریقای جنوبی که تنها شامل نژاد پرستان سفید پوست بود در سال ۱۹۴۸ تشکیل شد و با تشکیل آن ، دوران سیاهی از سرکوب ، بی حقوقی و تبعیض را در تاریخ آفریقای جنوبی گشود .

قوانین آپارتاید یا تبعیض و جدایی نژادی ، ساکنین آفریقای جنوبی را به دسته بندی های نژادی ، بر اساس رنگ پوست و نژاد و مشخصات ظاهری تقسیم کرده بود. این تقسیم بندی شامل سیاه پوستان و رنگین پوستان و سفید پوستان می شد که بر اساس آپارتایدی ، برتر از همه نژادها ، نژاد سفید بود. طبیعتاً سرمایه داران و قانون گذاران و گردانندگان ماشین سرکوب همگی در برجا باقی ماندن این او ضاع سهم و نقش داشته هنوز نیز سهم هستند

در دوران تسلط رسمی ( اکنون نیز تبعیض غیر رسمی در سطح جامعه وجود دارد ) آبار تایید ، غیر سفیدپوستان بجز استعمار کاری و محکوم شدن به انجام کارهای شاق و کم درآمد - مشابه وضعیت کارگران افغان در حال حاضر در ایران و یا کارگران مهاجر در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی - می بایستی بر خلاف میل خویش و با زور و فشار در مناطق فاقد امکانات مناسب زندگی میکردند و برای رفت و آمد به مناطق سفید پوست و مسافرت باید مجوز می گرفتند. آنان اجازه نداشتند که به محله های سفید پوست نشین رفت و آمده کرده و ورود آنها به اماکن تفریحی و کافه و رستوران و مدارس سفید پوستان ممنوع بود. در عین حال از شرکت در انتخابات بورژوازی نیز محروم بودند و نه می توانستند انتخاب کنند و نه انتخاب شوند. ازدواج با سفید پوستان نیز برای آنان مجاز نبوده. در دوران حاکمیت رژیم فاشیستی - سر مایه داری آبار تایید این سیستم حکومتی طبیعتاً تا مدت‌های مدیدی از حمایت همه جا نبه سر مایه داری جهانی ( امپریالیسم ) و دولت‌های حاکم بر آنها ( اروپایی ) نیز برخوردار بود. در آن دوران احزاب چپ رفرمیست ( کنگره ملی آفریقای جنوبی ، حزب کمونیست آفریقای جنوبی و وابسته به دولت سر مایه داری دولتی شوروی و کنگره اتحادیه های آفریقای جنوبی ( رفرمیست ) و احزاب لیبرال و افراد مذهبی بودند که علیه رژیم آبار تایید به سبک و سیاق خود مبارزه می کردند ، اما این احزاب و رهبران آنها که بیشتر آنان سالهای زیادی را در زندانهای رژیم آبار تایید به سر برده بودند و عمدتاً تمرکز مبارزه خود را بر روی لغو قوانین تبعیض نژادی و براندازی رژیم آبار تایید گذاشته بودند تا افشای ماهیت اصلی رژیم که اساساً سیستم سر مایه داری و استثماری بود. سیستمی که ماهیت واقعی خود را در پشت قوانین تبعیض نژادی پنهان کرده بود. آنان سازشکار و رفرمیست و طرفدار سر سخت آشتی طبقاتی ( نلسون ماندلا ) بوده و هستند. این احزاب که بخش قابل توجهی از کارگران و زحمتکشان سیاه پوست را همراه خود داشتند ، در باره ماهیت واقعی آبار تایید که خود سیستم سر مایه داری است منتها به شکلی دیگر و اینکه در اساس و ماهیت تفاوت اساسی با رژیم آبار تایید ندارد را ، برای کارگران و زحمتکشان افشاء نمی کردند. و با وعده های دروغین ، مدینه فاضله ای را که بعد از لغو رژیم آبار تایید بوجود خواهد آمد به کارگران و زحمتکشان وعده می دادند. غافل از اینکه تا سر مایه و سر مایه دار حکومت می کند طبقه کارگر آزاد نخواهد بود. آزادی صوری شاید ولی آزادی واقعی نه. زیرا که آزادی واقعی زمانی امکان پذیر است که کار از قید سر مایه و استعمار رها گردیده باشد. از طرف این احزاب و رهبران گفته شده بود که اگر قوانین آبار تایید لغو و دولت آبار تاییدی بر افتد ، تمامی ساکنین آفریقای جنوبی ، سیاه و سفید با هم برابر خواهند بود و از نابرابری و ستم دیگر اثری بر جا نخواهند ماند ( نلسون ماندلا ) . و حشناناکتر و غیر عادلانه تر از همه این بود که بعد از لغو آبار تایید هیچ کدام از سرمداران رژیم آبار تایید علیرغم جنایتهای بیشماری که در حق اکثریت جامعه مرتکب شده بودند محاکمه و مجازات نشدند. غافل از اینکه واقعیت‌های سخت و تلخ نشان داد که با بر افتادن رسمی دولت طرفدار قوانین آبار تایید و بر کناری آن رژیم ، فقط بخشی از مشکلات کارگران و زحمتکشان که تبعیض نژادی بود ، آنهم نه به شکل کامل و واقعی ، بلکه بطور ناقص فقط برای به پیش برده شدن روند بهتر عملکرد و سود آفرینی سر مایه کمی تقلیل یافت. بهره کشی و تبعیض در شکلهای مختلف از تبعیض نژادی ، جنسی و جنسیتی گرفته تا سایر تبعیضات به قوت خود باقی ماند. زیرا که بعد از لغو رسمی رژیم آبار تایید بر روی کاغذ و سازش رهبری بزرگترین سازمان متشکل از نیروهای مختلف مخالف رژیم آبار تایید ، مثل کنگره ملی آفریقای جنوبی به رهبری نلسون ماندلا که ۲۷ سال از عمر خود را در زندانهای مخوف آبار تایید بسر برده و پس از آزادی با سازش کردن با بورژوازی حاکم در آفریقای جنوبی و دولت‌های سر مایه داری و خصوصاً سر مایه های اروپایی ، تاج سر و نور چشم ، همه قدرتمداران کشورهای مختلف سر مایه داری و شاهان و ملکه های کشورهای گوناگون شده بود. و همچنین حزب کمونیست آفریقای جنوبی ( که در حزب ماندلا حل شده بود ) و کنگره اتحادیه های آفریقای جنوبی این ۳ حزب دولت جدید حامی سر مایه را در آفریقای جنوبی تشکیل داده و به مبرا کردن و بخشیدن تمامی جنایتکاران و سرمدارانی که سابقاً در دولت آبار تایید سکان کشور و سر کوب کارگران و سیاه پوستان را در دست داشتند پرداختند. و آنان را از مجازات شدن بخاطر همه جنایتهایی که در دوران برقراری رژیم آبار تایید علیه کارگران و زحمتکشان سیاه پوست مرتکب شده بودند معاف گردانید (۱). برگردانندگان و سران رژیم آبار تایید نه تنها در دوران سر کار آمدن کنگره ملی آفریقای جنوبی به رئیس جمهوری نلسون ماندلا محاکمه و مجازات نشدند بلکه به راحتی بخشیده شده و به کار و زندگی و داشتن مقامات در ارتش و دولت و سایر ارگانها ادامه داده و بسیاری از آنان با ثروت‌های اندوخته در دوران سر کوب آبار تاییدی به خارج از آفریقای جنوبی مهاجرت کرده و در کمال راحتی و رفاه در خارج و یا در خود آفریقای جنوبی در ویلاهای لوکس و مزارع وسیع خود با داشتن مستخدمین سیاه و اینبار نیز سفید پوست در بهترین شرایط زندگی کرده و می کنند. بدون اینکه حتی یک روز برای جنایتهایی که مرتکب شده بودند محاکمه و مجازات شده باشند. - دقیقاً مثل خیلی از ساواکی ها ، دست اندکاران و کارگزاران و همکاران رژیم دیکتاتوری شاه که بعد از زنج

رژیم ، مجدداً تو سطر رژیم جمهوری اسلامی به خدمت گرفته شده و در سر کوب کمونیستها و آزادیخواهان نقش زیادی داشتند.

حکومت کنندگان جدید به کارگران وعده دروغین بهشت موعود را بعد از بر کناری رژیم آپار تایید می دادند. یکی از این سازمانها کنگره ملی آفریقای جنوبی به رهبری نلسون ماندلا و دیگری حزب " کمونیست " آفریقای جنوبی بود که در پوشش مارکسیسم و در اصل با ایده های رفرمیستی به مبارزه علیه آپار تایید مشغول بوده و به جای تشویق کارگران به مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی ، آنها را به سازش طبقاتی تشویق می کردند.

### جامعه کنونی آفریقای جنوبی

شرایط کنونی و زندگی و کار کارگران آفریقای جنوبی بعد از لغو رسمی آپار تایید در واقع تغییر زیادی نکرده است ، بلکه استثمار به شکل سابق خود همچنان باقی است با این تفاوت که مهره ها عوض و جابجا شده اند. تفاوت با گذشته این است که در حال حاضر رئیس جمهور که نماینده دولت سر مایه داری است فقط رنگ عوض کرده و به جای یک فرد سفید پوست یک فرد سیاه پوست بر مسند قدرت قرار دارد. رنگها عوض گردیده و نه جایگاه طبقاتی. دستگاه پلیس و فر ماندهان ارتش نیز از سیاه پوستان و سفید پوستان تشکیل شده است. اگر طبقه کارگر در زمان آپار تایید تو سطر بورژوازی سفید پوست استثمار و سر کوب میشد ، الان توسط سر مایه دار سیاه و سفید استثمار و به دست پلیس ضد شورش سیاه و سفید سر کوب میشود و نیز دولتی که از حامیان سر مایه ( سیاه پوستان و سفید پوستان ) تشکیل گردیده است و ارتش نیز به همینگونه . الان طبقه کارگر توسط سر مایه دارهای مختلف و با رنگهای مختلف سر کوب و استثمار میشود. هر دو علیه کارگران منافع مشترک دارند ، علیرغم رنگ و نژادشان همانطور که شاهد بودیم ، در صورت اعتراض طبقه کارگر به وضعیت فلاکت بار زندگی خود، ماشین سر کوب سر مایه ، بدون هیچ تردید و درنگی به سر کوب طبقه کارگر دست زد. طبیعتاً هیچ گونه تغییری در روند بر طرف شدن استثمار کارگران آفریقای جنوبی بعد از لغو و بر کناری دولت آپار تایید رخ نداده است و مسائل و مشکلاتی مثل در صد بالای بیکاری، عدم داشتن بیمه بیماری برای بخش عظیمی از کارگران و وجود و شیوع بیماری کشنده ای مانند ایدز ، خود فروشی ، نا امنی اجتماعی . فقر و فلاکت اقتصادی و فردی و اجتماعی برای طبقه کارگر و زحمتکشان همچنان به شدت سابق وجود دارد.

### تغییرات روبنایی و جابجایی سیاسی رژیمها

تاریخ تحولات سیاسی بطور عموم و بطور خاص در ۵۰ سال اخیر یکبار دیگر ثابت کرد که فقط جابجایی سیاسی و روبنایی دولتها - مانند بر کناری شاه (م. پهلوی) ، مبارک ، قذافی ، صدام و دیکتاتورهای گوناگون و تغییرات روبنایی و عوض کردن دولتها ، اساساً تغییر بنیادی در زندگی کارگران و زحمتکشان بوجود نآورد. سیستم استثماری در جریان این تغییرات رو بنایی متأسفانه باقی می ماند و برای طبقه کارگر فرقی نمی کند که استثمارگران او چه رنگ و جنس و نژادی و مذهبی داشته باشند.

تمام تبلیغات بورژوازی و احزاب طرفدار او ، مبنی بر تبلیغ جامعه مدنی - ملی و سکو لار و دموکراسی خواهی بورژوازی و انقلاب مرحله ای و دموکراتیک و غیره ، فقط تبلیغات و تلاشهای رفرمیستها در پوشش مارکسیسم در جهت گمراه کردن طبقه کارگر از دست بردن به انقلاب قهر آمیز خود و مانع شدن طبقه کارگر از فعالیت در جهت انجام انقلاب واقعی خویش و متشکل شدن در حزب کمونیستی و طبقاتی خود میباشد. احزاب و جریانات رفرمیست سعی می کنند که طبقه کارگر را از تلاش در جهت وقوع و به سر انجام رساندن انقلاب اجتماعی و بر قراری دیکتاتوری پر و لتاریا باز دارند. بورژوازی در هر شکل و قواره ای که ظاهر شود فقط یک هدف دارد و آنهم کسب سود و ارزش اضافه از نیروی کار استثمار شده کارگران است . در تحلیل نهایی یک اصل برای سر مایه داری و سر مایه دار مقدس است و آنهم اصل مالکیت خصوصی بر ابزار تولید. تمام شکلهای دیگر تغییرات سیاسی و روبنایی ، بجز انقلاب سو سیالیستی به رهبری طبقه کارگر آگاه و حزب طبقاتی اش ، پوشش فریب آمیز بورژوازی برای استثمار طبقه کارگر و بر سر قدرت باقی ماندن اومی باشد و هر زمان هم که بورژوازی احساس خطر کرد ، کارگران معترض را با هر رنگ و نژاد و جنسیتی که داشته باشند بی مهابا و بدون تردید بازداشت و شکنجه و به گلوله خواهد بست، همانطور که ما متأسفانه ، روزانه در سراسر جهان شاهد این سر کوبها هستیم . چنانکه دولت سیاه پوست آفریقای جنوبی با دستگاه سر کوب و خشن خود و با همدستی حاکمان سر مایه دار خود چه سیاه و چه سفید دست به کشتار کارگران متعرض زد

نمونه این سر کو بها و کشتار و دستگیری و شکنجه کارگران برای مثال در ایران حتی یک اعتراض ساده و یا یک نشست کارگری برای کسب ساده ترین مطالبات بر حق و طبیعی کارگران منجر به دستگیری اعضاء و فعالین کارگری می شود. بطور مثال، همانطور که شاهد بودیم در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۹۱، ۶۰ تن از فعالین کارگری در حین برگزاری جلسه سالانه " کمیته هماهنگی برای کو مک به ایجاد تشکل های کارگری " با حمله و حشیانه توسط نیروهای جمهوری اسلامی بازداشت و تحت شدید ترین فشارهای جسمی و روحی و اخلاقی قرار گرفته و تازه پس از اعتراضات بسیار در داخل و خارج، این عزیزان بتدریج آزاد گردیدند. متأسفانه علی رضا عسگری بدون اینکه جرمی مرتکب شده باشد هنوز در بند می باشد و اخیراً به یکسال حبس تعزیری محکوم گردیده. اسارتی که برای او بیماری های سخت و خطرناک و تهدید کننده ای، مانند بیماری قلبی، کمر درد شدید، کم خونی را موجب گردیده و نیز دچار دردهای ناشی از فشار و استرس شدیدی که در زندان بر او وارد کرده اند می باشد

کارگران زندانی آزاد باید گردند

مستحکم باد همبستگی کارگران سراسر جهان

زنده باد سو سیالیسم و دیکتاتوری پرو لتار یا

۱- بعد از لغو آپار تایید در سال ۱۹۹۴ از طرف دولت جدید آفریقای جنوبی به ریاست جمهوری نلسون ماندلا و کنگره ملی آفریقای جنوبی به کمک رفرمیستهایی که خود را کمونیست می نامیدند در سالهای دهه ۹۰ کمیسیون حقیقت یابی و آشتی ملی تشکیل شد - تشکیلات نلسون ماندلا و کلیسا. رییس کمیسیون اسقف تو توبود-، به جای تشکیل دادگاه های انقلابی که می بایست و باید و وظیفه می داشت که سران جنایتکار رژیم آپار تایید را محاکمه و مجازات کند. به تیرنه آنان پرداخت و این کمیسیون نمایشی از تبلیغ شنیع ترین آشتی طبقاتی شد. غافل از اینکه طبقه کارگر هرگز با طبقه سر مایه دار نمی تواند آشتی طبقاتی داشته باشد. این دو طبقه اساساً با یکدیگر آشتی نا پذیرند.

**" بورژوازی مقدم بر هر چیز گورکنان خویش را بوجود می آورد. فئای او و پیروزی پرولتاریا، بطور همانندی ناگزیر است "** مارکس و انگلس. مانیفست حزب کمونیست. بخش ۱- بورژواها و پرو لتاریا

در این کمیسیون نه حقیقتی یا فت شد و نه مجرمی مجازات گردید. بلکه کمیسیون آشتی طبقاتی شد. بطور مثال این کمیسیون آشتی ملی، رئیس جمهور بر کنار شده دولت فاشیستی آپار تایید را به نام پی. دبلیو بو تا را که از سال ۱۹۷۸ تا سال ۱۹۸۹ که مبارزات ضد آپار تایید و کشتار سیاه پوستان و مخالفین آپار تایید در اوج خود در آفریقای جنوبی جریان داشت، و فاشیست بیرحم و خو نخواری بود را فقط برای سؤال و جواب به این کمیسیون دعوت کرد که ایشان نیز با کمال بیشرمی از شرکت و حضور در این کمیسیون سر باز زد و حتی حاضر به عذرخواهی برای جنایتهای بیشماری که انجام داده بود نشد و تمام جرائمی را که مرتکب شده بود و در پرونده او موجود بود تکذیب و رد کرد. او بدون هیچ مجازاتی و با احساس غرور زیاد از اینکه یک راسیست بوده از اعمال و عقاید خود غیاباً و از طریق مدیا دفاع کرد و تا آخر عمر در کمال راحتی و آسایش به زندگی ننگین خود تا سن ۹۰ سالگی ادامه داد و در ویلای شیک و بزرگی که با ثروت اندوخته از استثمار و شکنجه و سر کوب کارگران و سیاه پوستان به زور کسب کرده بود بدون هیچ مجازاتی به مرگ طبیعی در گذشت

۲- " دولت محصول و تجلی آشتی ناپذیری تضادهای طبقاتی است. دولت در آنجا، در آن زمان و در حدودی پدید میآید که تضادهای طبقاتی در آنجا، آنزمان و در آن حدود بطور ابژکتیف دیگر نمیتوانند آشتی پذیر باشند. و بالعکس: وجود دولت ثابت میکند که تضادهای طبقاتی آشتی ناپذیرند " لنین. دولت و انقلاب